



«سکته ملیح» در «پامبیک»!

■ یدالله گودرزی

اشاره:

معیارهای شعری و موازین زیبایی‌شناسی در زبانهای مختلف می‌تواند با هم مشابهت داشته باشد کما اینکه «وزن» که از لوازم شعر است، در زبانهای مختلف به‌عنوان یکی از ویژگیهای شعر شمرده می‌شود. حال ممکن است این وزن: عددی (Numerical) یا تکیه‌ای (Accentual) یا عروضی و کمی (Quantitative) یا وزن نواختی (Tonic) باشد! به هر حال یکی از ویژگیهای شعر وزن آن است، همان‌گونه که قافیه نیز این‌گونه است. در موارد جزئی‌تر هم می‌توان مشابهتی پیدا کرد که گاه شگفت‌انگیز است. ما در شعر فارسی اختیاری شاعرانه داریم با نام «تسکین» که در طی آن شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند بیاورد، این امر منجر به ایجاد «سکته» می‌شود که در اصطلاح عروضی به آن «سکته ملیح» نیز می‌گویند... در تعریف «سکته» (SYNCOPE) آورده‌اند که: «آنکه در وزن اندکی توقف باشد که قبیح نماید» آنچه در این بحث مورد نظر است آنکه از این اختیار شاعری کوچک که چندان به نظر هم نمی‌آید و شعر را «قبیح»! می‌کند می‌توان به‌عنوان یک شگرد بدیعی مدرن استفاده کرد و با نوآوری در شعر با استفاده از این شگرد، به فرمی تازه دست یافت (قابل توجه دوستان! پسامدرن که دائماً به‌دنبال نوآوری هستند اما از راه درست و زیباشناسانه آن طفره می‌روند و به دستاویزهای عجیب و غریب روی می‌آورند.) نمونه این شگرد در شعر انگلیسی نیز وجود دارد. در شعر انگلیسی نوعی شعر وجود دارد که به آن «پامبیک» یا «ایامبیک3» گفته می‌شود. شعر انگلیسی دارای وزن تکیه‌ای (Accentual) است که وزن مبتنی بر تکیه‌ای است که بر هجاها وارد می‌شود. وزن «پامبیک» در تقطیع از یک هجای تکیه‌دار و یک هجای بی‌تکیه تشکیل می‌شود. مثل مصراع:

.The Sun is Spent and now his flasks

- U - U - U - U

حال آنکه در مصراع دوم این توالی هجاها در دو کلمه پایانی به هم می‌خورد:

For Iam every dead thing

-- U - U - U

این به هم خوردن توالی هجاها و همچنین مکث میان دو واژه پایانی مصراع دوم، نوعی انحراف از معیار است که به عقیده فرمالیستها، حس زیبایی‌شناسانه به وجود می‌آورد. گرچه قوانین عروضی شعر انگلیسی با قواعد شعر فارسی قابل تطبیق نیست اما می‌توان این به هم خوردن هجاها را در شعر «پامبیک» با قاعده «سکته ملیح» در شعر فارسی قیاس کرد، در این قاعده، وزن مألوف شعر شکسته می‌شود اما این شکست نوعی ملاحظه و دلپذیری به‌وجود می‌آورد، از این روست که قداما به آن «ملیح» می‌گفتند. در این گریز از هنجار وزنی حس زیبایی‌پدیدی می‌آید و مصاربع دارای سکت و سکوتی سنگین می‌شود که در مصراعهای دیگر وجود ندارد، در این حالت، شعر نوعی جبر کنترل‌شده خود را بر زبان عملی، اعمال می‌کند و شکل آن را تغییر می‌دهد تا توجه ما را به ماهیت ساخته‌شده آن، معطوف دارد. درواقع این «شگرد»، یا «قاعده» یا «استثنا» یا هر چیز دیگر که اسمش را بگذاریم باعث می‌شود، وزن مألوف شعر به ناگاه شکسته شود و ما را به نوعی فرآفرینی رهنمون کند. نمونه استفاده بجا و مناسب آن را در یکی از غزلهای شاعر کوشا «هادی سعیدی کیاسری» می‌توان دید. این غزل که مورد اقبال شاعران و مشکل‌پسندان هم قرار گرفت نمونه‌ای از ایجاد فرم با استفاده از شگرد شعری «سکته ملیح» است. این استثنای شاعرانه یا اختیار شاعری در این غزل تبدیل به یک قاعده شده و نمونه خوبی از استفاده از این شگرد شعری است، غزل را که در وزن «رمل مثنی مخبون محذوف مقصور» سروده شده است بخوانید!

باشد اما چه کسی از من، سرگردان‌تر؟
یا کدامین آتش، از نَفَسَم سوزان‌تر؟

از تماشای کدامین خون، برمی‌گردی
 ای در آینه، از من هم سرگردان‌تر
 آسمان در مُشّتت، پنجره‌ها در چشمت
 و گلوگاهت، از صبح و صدا تابان‌تر
 از پس آن همه جان‌کندنها، مردنها
 آمدی، اما بی‌ناتر، بی‌ایمان‌تر
 باشد اما بنشین حرف بزن، شعر بخوان
 ها، بگو، باز بگو! روشن‌تر، عریان‌تر
 چشم‌هایش خالی باد، دلش ابری باد
 آنکه می‌خواست تو را گمشده‌تر، پنهان‌تر
 باز من ماندم و دیوار و پریشانی و شعر
 در جهان آیا هست از شبی من زندان‌تر؟!

به‌گونه‌ای که می‌بینم شاعر در تمام ابیات و حتی مصاربع از «سکتة ملیح» استفاده کرده است و از آن به‌عنوان يك شگرد بهره جسته است. تنها مصرع اول بیت پنجم و آخر از این استفاده مصون مانده است!

باشد اما بنشین حرف بزن شعر بخوان
 - U - U / - U U / - U U / - U / -
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

به علت تطویل مطلب، از تقطیع همه غزل چشم می‌پوشیم اما برای نمونه بیت دوم را تقطیع می‌کنیم تا منظور، روشن‌تر شود.

از تماشای کدامین خون برمی‌گردی؟

--- U U / -- U -- / --- /
 ای در آینه، از من هم سرگردان‌تر
 --- U --- / --- / --- /

با تطبیق ارکان این بیت و تقطیع مصراع سالم پیشین می‌توان تفاوتها را دریافت.

علوم و کتب بلاغی فرهنگ ما، سرشار از نکات کوچک اما ویژه‌ای است که با بازخوانی و بازآفرینی آنها، می‌توان عرصه‌های تازه‌تری را تجربه کرد به شرط آنکه شاعران و.. جوان‌ترها حوصله و عشق این کار را داشته باشند و راه نوآوری و نوجویی را به اشتباه نروند.

پی نوشت

- 1- آشنایی با عروض و قافیه، سیروس شمیسا، انتشارات فردوسی
- 2- فرهنگ بلاغی و ادبی، ابوالقاسم رادفر - انتشارات اطلاعات، ج 1، ص 644
- 3- راهنمای نظریه ادبی معاصر، رامان سلدن، ترجمه عباس مخبر، ص 19.
- 4- خودخوانی غریبه دشوار، مجموعه شعر هادی سعیدی کیاسری، انتشارات حوزه هنری.

پرتال جامع علوم انسانی
 نشریات فرهنگی